

مسئولیت مدنی اشخاص در قبال اموال دولتی

حسینیه سالمی^۱

چکیده

انسان در برابر هر چیز و هر کسی مسئولیت دارد که گاه متعلق مسئولیت اموال است و گاه اشخاص؛ همچنین در قسمت مسئولیت در برابر اموال نیز می‌توان آن را به اموال متعلق به فرد و اموال مربوط به دولت تقسیم کرد. در این پژوهش به مسئولیت افراد در قبال اموال دولتی پرداخته شده است. البته این افراد محدود به افرادی که در دولت و سازمان‌های دولتی ایفای وظیفه می‌کنند، نمی‌شود بلکه به صورت کلی مسئولیت همه افراد در قبال اموال دولتی مدنظر است که ارائه مطالب شامل مفهوم مسئولیت مدنی، مبانی مسئولیت مدنی، ارکان مسئولیت مدنی، انواع مسئولیت مدنی، مفهوم دولت، مبانی اموال دولتی، ملاک تشخیص اموال دولتی از عمومی، اتلاف اموال دولتی و خسارت بر اموال دولتی می‌شود.

کلید واژه‌ها: مسئولیت، مسئولیت مدنی، اموال، دولت، اموال دولتی

مقدمه

مقوله مسئولیت مدنی و یا الزامات خارج از قرارداد که به معنای الزام حقوقی و جبران ضرر و زیانی است که شخص با فعل و یا ترک فعل خود به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به دیگری وارد کرده است، ضرورت وجود قواعد مسئولیت مدنی را انکارناپذیر کرده است.

نظام حقوقی اسلام نیز این حوزه را بی‌پاسخ نگذاشته است و با اینکه در فقه مدون و در اندیشه فقیهان کتاب و یا باب خاصی نسبت به مسئولیت مدنی اختصاص داده نشده است، ولی وجود احکام فراوان و قواعد مختلف فقهی از جمله قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده لاضرر و قاعده تعدی و تفریط و امثال این قواعد به شیوه‌های مختلف به مسئولیت مدنی اشخاص پرداخته‌اند که به عنوان یک مسئله شاخص و مهم در جامعه از اهمیت خاص برخوردار است، چه اینکه نظم و انضباط جامعه بستگی به نحوه برخورد افراد نسبت به مسئولیتشان دارد.

همان طور که مسئولیت مدنی اشخاص در برابر اموال دولتی، شامل عامه مردم و همچنان اشخاصی که در پست‌ها و سازمان‌های اداری قرار دارند و نسبت به اموال دولتی که در اختیار دارند ملموس‌تر است، به دلیل اینکه اموال دولتی جزو اموال عمومی بوده که از آن در فقه و بیت‌المال یاد می‌شود، لذا وظیفه همه افراد و کارمندان سازمان‌ها صیانت و پاسداری از آن است و در صورت هرگونه افراط و تفریط پاسخگوی جامعه خواهند بود، اما با همه اهمیت که این موضوع دارد تا کنون آنچنان که باید مورد تحقیق و پژوهش رضایت‌بخشی قرار نگرفته است.

۱. مسئولیت مدنی

۱.۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود، عبارت است از مسئولیت جبران خساراتی ناشی از رفتارهای زیان‌بار. به همین دلیل، در مفهوم مسئولیت مدنی، شرط عمده یا سوء نیت فاعل زیان، مطرح نمی‌شود، زیرا آنچه در درجه نخست در قواعد مسئولیت مدنی اهمیت دارد آن است که زیان جبران گردد؛ خواه ورود زیان عامدانه و عالمانه باشد، خواه از روی اشتباه و جهل.

۲.۱. هدف مسئولیت مدنی

اجرای قواعد مسئولیت مدنی باعث می‌شود فاعل زیان، تنبیه شود و برای دیگران بازدارندگی ایجاد کند. از طرف دیگر از وقوع زیان‌های بعدی پیشگیری می‌شود. هدف دیگر حمایت از زیان‌دیده می‌باشد، چون تمام مبنای و قواعد مسئولیت مدنی باید معطوف به جبران ضرر باشد. به هر صورت با تأمل به ماهیت و اهداف مسئولیت مدنی، جبران خسارات را می‌توان یکی از مهم‌ترین اصول مسئولیت مدنی تلقی نمود. (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۳۲-۳۱)

۳.۱. ارکان مسئولیت مدنی

هدف از ارکان مسئولیت مدنی، شرایطی است که باعث تحقق مسئولیت مدنی می‌شود، لذا سه رکن لازم است. ضرری که به خواهان وارد شده است؛ البته هر ضرری موجب مسئولیت مدنی و قابل جبران نیست، بلکه ضرر قابل جبران باید شرایطی داشته باشد:

۳.۱.۱. ضرر باید مسلم باشد، نه احتمالی

مقصود از ضرر مسلم آن است که یا فعلیت داشته باشد و یا بر حسب جریان عادی امور قابل تحقق باشد، لذا باید تأمل کرد که فعلیت ضرر شرط نیست و قاضی می‌تواند حکم به جبران ضرری کند که وقوع آن در آینده مسلم می‌باشد. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد اگر در موقع صدور حکم، تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد، دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.

از این عبارت به روشنی برمی‌آید که امکان دارد دادگاه حکم به جبران خسارتی کند که فعلیت ندارد، ولی وقوع آن در آینده ممکن است، لذا از آنجا که وقوع صد درصد نیست به دادگاه اجازه داده شده است که در صورت کم یا زیاد شدن میزان خسارت تا دو سال در حکم خود تجدید نظر کند.

به نظر می‌رسد ماده ذیل نسبت به تمام خسارت‌های وارده چه افراد در مقابل افراد و چه اشخاص در مقابل اموال دولتی شمولیت داشته باشد.

۱.۳.۲. ضرر باید ناشی از لطمه به حق شخص یا نفع مشروع او باشد

ضرر باید ناشی از تجاوز به حق شخص، اعم از حق مالی و غیر مالی باشد. طبق ماده اق.م.م. «هرگاه به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون ایجاد گردیده...»، موجب مسئولیت و مطالبه خسارت تلقی کرده است.

۱.۳.۳. رابطه سببیت

به وجود آمدن زیان به دنبال تقصیر شخص کافی برای احراز رابطه سببیت نیست، بلکه باید ثابت شود که تقصیرعلت فاعلی و پدید آورنده زیان است؛ چه عوامل در ایجاد خسارت دخالت داشته و کدام یک سبب بوده است.

طبق ماده ۳۳۲ در این زمینه مقرر می دارد: هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است، نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

زیان باید به عاملی نسبت داده شود که معمولاً و به گونه جریان عادی امور موجب پیدایش ضرر شده باشد که اصطلاحاً سبب گفته می شود.

از ماده فوق برداشت می شود هر عامل که سبب خسارت شود مسئول زیان است. چه زیان وارده به اموال یا حقوق افرادی حقیقی باشد و یا زیان وارده به شخصیت حقوقی باشد مثل اموال دولتی سبب اقوی مسئول است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۱، ۱۴۳ و ۲۰۴)

۲. مبانی مسئولیت مدنی

در رابطه با مبانی مقوله مسئولیت مدنی نظریه های حقوقی ذیل وجود دارد:

۱.۲.۱. نظریه تقصیر (مسئولیت بر اساس تعدی و تفریط)

بر اساس این نظریه، هر کس که فعلش ناشی از تعدی و تفریط باشد و ضرری نسبت به دیگری وارد کند، مسئول است. در این نظریه به جای معیارهای شخصی و درونی، از معیارهای نوعی و عینی استفاده می شود؛ یعنی اینکه برای درک نمودنی تعدی، تفریط و مسئولیت خواندگان، قصد، اراده، عمد، بی احتیاطی و ضمیر خود زیان زننده را ملاک قرار نمی دهد، لذا تقصیر هم می تواند عمدی باشد و هم غیر عمدی و همچنان در تعریف تقصیر می توانیم بگوییم عبارت است از: «کار غیر قانونی قابل انتساب و مرتکب» یا

«تجاوز از وظیفه که فاعل قادر به درک و فهم آن بوده می‌توانسته آن را به شایسته انجام دهد و مراعات کند».

تقصیر از جهات مختلف قابل تقسیم می‌باشد:

۲. ۱. ۱. تقصیر عام و خاص

بعضی از تکالیف و تعهدات عمومی و کلی است؛ به طور مثال هر فرد از افراد جامعه مؤظف است در اجتماع طوری رفتار کند که رفتارش متعارف باشد. به عبارتی تعدی و تفریط نکند که از مصادیق این افراد وکیل و مستأجر و دیگر افراد هستند که در قبال اموال چه اموال شخصی و چه اموال دولتی مسئول می‌باشند.

این گونه تقصیر، تقصیر عمومی تلقی می‌شود، اما در مواردی که نقض یک تعهد خاص صورت بگیرد، تقصیر خاص واقع می‌شود. به طوری مثال رعایت عبور نکردن چراغ قرمز، یک تعهد خاص است.

۲. ۱. ۲. تقصیر مثبت و منفی

منظور از تقصیر مثبت انجام یک فعل می‌باشد، مثلاً تیراندازی غیر دقیق از مصادیق تقصیر مثبت است، اما هدف از تقصیر منفی، ترک فعل می‌باشد البته باید تأمل نمود که در برخی موارد ترک فعل عرفاً مصداق تقصیر قرار می‌گیرد.

بر اساس ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر گاه کسی فعل که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است جنایت حاصل به اوستند می‌شود. در عین حال، اگر کسی وظیفه‌ای نسبت به یک عمل نداشته باشد، ولی توانایی انجام آن را دارد و از ناحیه عدم اقدام او خسارتی حاصل گردد، ضامن نمی‌باشد.

دلیل این بیان ماده ۵۱۴ قانون مجازاتی اسلامی است: «هر گاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ کس ضامن نیست؛ اگر چه شخص یا اشخاصی تمکن بر طرف کردن آن‌ها را داشته باشند».(ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۳۷ و ۳۹)

۲.۱.۳ نظریه خطر

اگر فردی محیطی را برای منفعت خصوصی خود ایجاد کند، ولی احتمالاً خطراتی را برای دیگران دربر داشته باشد، در صورت حادث شدن خسارت، مسئول پرداخت می‌باشد. (نوربخش، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۴)

نظریه خطر را می‌توان یک نظریه موسع یا عینی دانست؛ به سبب این نظریه هر کس سود کاری را می‌برد، باید زیان‌های آن را نیز قبول کند. طرفداران نظریه خطر یکی از پیامدهای مثبت نظر خود را همبستگی اجتماعی و احساس مسئولیت اشخاص در قبال دیگران به شمار آورده‌اند. بر مبنای این نظریه، ملاک و معیار مسئولیت، رابطه سببیتی است که بین فعالیت شخص و زیان وارده به دیگری وجود دارد. در این دیدگاه هر فرد که بر اثر عمل خود دیگری را متضرر نماید، مسئول شناخته می‌شود، صرف نظر از اینکه رفتارش مشروع بوده و یا نبوده باشد. به عبارتی هر شخصی مسئول جبران خطرات ناشی از عمل خود می‌باشد.

۲.۱.۴ نظریه مختلط

بعضی از طرفداران نظریه خطر به این نتیجه رسیده که این نظریه به صورت مطلق قابل پذیرش نیست و طبق ضابطه، باید محدوده اعمال به صورت دقیق، مشخص و معین شود. لذا تعداد زیادی از حقوقدانان نظریه خطر و تقصیر را به هم آمیخته و نظریاتی تحت عنوان نظریه‌های مختلط ایجاد نمودند.

نظریه مختلط عبارت است از نظریه‌ای که بین نظریه خطر و تقصیر قرار می‌گیرد. بعضی از این نظریات مانند تقصیر عرفی یا کار نامتعارف به نظریه تقصیر نزدیک است و برخی دیگر همانند نظریه خطر در برابر انتفاء به نظریه خطر نزدیک است؛ البته باید تأمل کرد که نظریه مختلط هم مورد انتقاد قرار گرفته است. به دلیل اینکه معیار و ملاک این تقسیم‌بندی بر چه اساسی است؟ اگر به نسبت مساوی قابل تقسیم باشد کدام بخش بر کدام نظریه مربوط است، در غیر این صورت، کدام نظریه اصل خواهد بود و به چه دلیل؟ (مصطفوی و پایکاری، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۶۹)

۲.۱.۵ نظریه تضمین حق

این نظریه بر این باور استوار است که نظریه تقصیر و ایجاد خطر به ارزیابی رفتار عامل زیان پرداخته و از هدف اصلی مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان دیده می‌باشد، غافل مانده است.

این نظریه بیان می‌دارد هر کس از افراد جامعه حق دارد که در جامعه‌ای سالم و در امنیت کامل زندگی کند و از اموالش استفاده نماید. دیگران نیز باید به این حقوق احترام بگذارند و قانون نیز از آن حمایت خواهد کرد و در نتیجه اگر حقی از بین رود، باید به وسیله عامل از بین برندهٔ حق، جبران شود. بنیانگذار این نظریه فردی است به نام «بوریس استارک» (بهرامی، ۱۳۸۵: ۳۷) وی درصدد است که تمام موارد مسئولیت مدنی را بر مبنای تضمین قانونگذار مبنی بر حفظ و حمایت از حقوق اشخاص در جامعه توجیه نموده و بدون توجه به اینکه عامل زیان به صرف ایجاد خطر یا داشتن تقصیر مسئولیت دارد یا خیر، این مسئولیت را لازمهٔ ارادهٔ قانونگذار در حمایت از حقوق افراد اجتماع می‌داند.

البته این نظریه در مواردی مثل غصب و سلطهٔ غیرقانونی بر مال غیر و اتلاف مطابق با واقع است، ولی اشکال اساسی زمانی است که شخص در مقام اجرای متعارف حق خویش موجب زیان دیگری می‌شود. به بیان دیگر مشکل آن است که دو حق با یکدیگر تزاخم داشته و دلیلی بر ترجیح هیچ یک وجود ندارد.

برای رهایی از این اشکال استارک حقوق را به دو گروه تقسیم کرده است؛ در گروه اول که شامل حق فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و... است جز در صورت تقصیر در اعمال حق عامل زیان را مسئول نمی‌شناسد، ولی در گروه دوم که شامل حق حیات و تمامیت جسمی و مالکیت است، در هر حال عامل زیان را مسئول می‌داند و این به آن معنی است که اجرای حق ضمان‌آور است.

این نظر از جهتی با یکی از مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلام یعنی قاعده لاضرر، شباهت دارد. به این ترتیب که در حقوق اسلامی بدون تردید ضرر امری نفی شده است، اما در برخی شرایط حقوقی نیز برای بعضی افراد پیش‌بینی شده که در آن می‌توان به گونه‌ای ریشه‌هایی از ضرر را مانند حق طلاق برای مرد، جستجو نمود. اعمال این حقوق زمانی می‌تواند، ضمان‌آور باشد که به قصد «اضرار» اعمال شود.

در منابع اسلامی از جمله آیات و روایات علاوه بر «ضرر» به «اضرار» نیز توجه شده و فقها بحث‌های مبسوطی در زمینهٔ مفهوم «اضرار» داشته‌اند. شاید بتوان گفت در این قبیل حقوق، اصل بر عدم ضمان است، مگر آن‌ه قصد اضرار باشد. البته باید توجه داشت که قصد اضرار باید توسط مدعی آن ثابت شود. این حقوق واجد بعضی مصالح اجتماعی است و ذی‌حق در اعمال آن نیازمند توجیه عمل خود نخواهد بود. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۳۷)

۳. مبانی فقهی مسئولیت مدنی

۳.۱. قاعده لاضرر

قاعده نفی ضرر یا قاعده لاضرر از مهم‌ترین قواعد فقه اسلامی و از مبانی مهم مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. البته فقها علاوه بر بحث ضمان، از این قاعده در زمینه‌های دیگری از جمله عبادات نیز بهره جسته‌اند. مبنای بسیاری از اختیارات مثل خیار غبن و عیب و همچنین حقوقی از جمله شفعه را قاعده لاضرر دانسته‌اند.

به عقیده بسیاری از فقها دلیل عمده قاعده لاضرر روایت است. (بجنوردی، ۱۳۷۱: ۱۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۴) این قاعده از روایت معروف پیامبر ﷺ گرفته شده که آن حضرت به «سمره ابن جندب» فرمودند: «لاضرر و لاضرار». (کلینی، ۱۳۶۶: ۲۹۴-۲۹۲) البته در احادیث دیگری نیز این مطلب آمده است، از جمله روایت «عقبه بن خالد» از امام صادق ﷺ که در آن امام ﷺ، قضاوت پیامبر در خصوص حق شفعه را بیان می‌نماید که پیامبر ﷺ بین شرکا حکم به شفعه کرد و فرمود: «لاضرر و لاضرار» و همین‌طور باز در روایت دیگری «عقبه بن خالد» از امام صادق ﷺ قضاوت پیامبر در خصوص آبیاری نخلستان‌ها بیان می‌کند و دستور می‌دهد کسانی که باغ خود را آبیاری می‌کردند، آب را حبس نکنند و آن‌گاه فرمودند: «لاضرر و لاضرار». (شکاری، ۱۳۸۵: ۲۴۱)

علاوه بر احادیث یاد شده به موجب آیاتی از قرآن کریم نیز می‌توان گفت که در اسلام ضرر نفی شده است، مثل این آیه شریفه که فرمود: ﴿وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لَّتَعْتَدُوا﴾؛ یعنی زن‌ها را برای ضرر رساندن نگه ندارید. همچنین خداوند در آیه شریفه ۲۸۶ از سوره مبارکه بقره که به آیه «دین» نیز معروف است، از ضرر نهی نموده و می‌فرماید: «ولا یضار کاتب ولا شهید» که اگر «لا یضار» مجهول باشد، یعنی نباید صاحب دین به کاتب و نویسنده دین ضرر برساند و اگر لایضار معلوم باشد، معنای آیه چنین خواهد بود که کاتب هنگام نوشتن خیانت نکند.

در آیه دیگری نیز خداوند والدین را از رساندن ضرر به یکدیگر یا طبق یک نظر به فرزندان خود نهی می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا﴾.

برخی از نویسندگان نیز ضرر به خود یا دیگری را از مستقالات عقلیه دانسته و مبنای عقلی برای این قاعده قائل شده‌اند.

به هر حال قدر مسلم این است، که شارع مقدس از ارتکاب فعل ضرری نهی نموده است، اما در مورد مفاد قاعده «لاضرر» بین فقها بحث‌های مبسوط و طولانی وجود داشته است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۳)

۳.۲. قاعده اتلاف

یکی از قواعد اساسی در مسئولیت مدنی قاعده اتلاف است و منظور از آن به طور اجمال این است که هرگاه کسی مال دیگری یا منافع مترتب بر آن بدون اذن صاحبش تلف نماید، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول خواهد بود. مال نیز در اصطلاح چیزی است، که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن مورد رغبت عقلا بوده و در مقابل آن عوضی پرداخت کند (موسوی خویی، بی تا، ج ۲: ۴)

این قاعده از جمله معروف «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (نجفی، ۱۳۶۷: ۶۰) گرفته شده است. البته عین این عبارت در کتب احادیث وجود ندارد، لیکن از شهرت زیادی برخوردار است و در بسیاری از نصوص کلماتی که حاکی از مضمون این جمله باشد، وجود دارد، که مهم‌ترین و معروف‌ترین آن عبارت است از: «علی الید ما اخذت حتی تودی» (نوری، بی تا، ج ۱۴: ۷)

البته برای استفاده از این قاعده، فقها به آیاتی از قرآن کریم نیز استفاده کرده‌اند، از جمله آیه شریفه «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ»؛ یعنی هر کس به شما تجاوز کرد، همانند او بر او تعدی کنید. (طوسی، بی تا: ۶۰) و دیگران این آیه را به عنوان یکی از مستندات قاعده اتلاف بر شمرده‌اند. همچنین آیه شریفه ۴۰ از سوره مبارکه شوری که می‌فرماید: «وَجَزَاءٌ سِیِّئَةٍ سِیِّئَةٌ مِّثْلُهَا...». از اطلاق این آیه استفاده می‌شود که جزای تعدی و اتلاف مؤاخذه و ضمان است. البته مرحوم شیخ در مکاسب بیان می‌دارد که این آیه اخص از مدعاست، زیرا سیاق آن درباره اعمال عمدی است و شامل خطا و نسیان نمی‌شود. (انصاری، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۶۵)

۳.۳. قاعده علی الید (ضمان قهری)

از دیگر قواعد فقهی در باب ضمان قهری، قاعده علی الید یا ضمان ید است. ید به معنای دست است و انسان بیشتر چیزها را به وسیله دست مورد استفاده قرار داده، به خود اختصاص می‌دهد و بعد مالک می‌شود. غالباً در معنای مجازی به معنی استیلا و تسلط به کار می‌رود. (محمدی، بی تا: ۱۸۰)

به موجب این قاعده هرکس بدون اجازه بر مال دیگری تسلط پیدا کند، ضامن آن مال محسوب می‌شود. هرچند آن مال تلف نشود. به عنوان مثال اگر کسی اتومبیل متعلق به دیگری را برداشته و سوار شود، ضامن است که آن را در همان وضعیت به صاحبش برگرداند. بر مبنای این قاعده هرکس بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن نقص و تلف آن است و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. پس اگر کسی بر مال دیگری ید پیدا کند، باید زمانی که عین مال موجود است، آن را به

صاحبش برگرداند و در صورت تلف شدن مال مزبور باید مثل یا قیمت آن را بدهد. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۸۹) مهم‌ترین مدرک این قاعده روایت نبوی شریف است که فرمود: «علی الید ما اخذت حتی تؤدی».

علمای شیعه این حدیث را در کتب روایی خود مطرح نکرده‌اند و فقط اهل سنت آن را از طریق «حسن بصری» و او از «سمره بن جندب» و او از پیامبر ﷺ روایت کرده است.

۴. انواع مسؤلیت مدنی

مطابق مواد قانونی هر شخصی مسؤل اعمال خود می‌باشد، اما گاهی قانونگذار فرد را مسؤل کار دیگران هم قرار می‌دهد به همین اساس حقوقدانان مقوله مسؤلیت مدنی را به سه بخش تقسیم نموده‌اند:

۱. مسؤلیت ناشی از فعل شخص که تابع قواعد عمومی است؛
۲. مسؤلیت ناشی از فعل دیگران؛
۳. مسؤلیت ناشی از مالکیت یا حفاظت از اموال.

۴.۱. مسؤلیت ناشی از فعل شخص که تابع قواعد عمومی است

به این معنا که به علت نبودن رابطه سببیت بین زیان‌رساننده و زیان‌دیده، قانونگذار فرد را مسؤل جبران خسارت می‌بیند و شخص در قبال فعل که خودش عامل بوده است، مسؤلیت دارد.

۴.۲. مسؤلیت ناشی از فعل دیگران

این مسؤلیت چهره حمایتی دارد و گاهی اوقات مسؤلیت به گونه‌ای انجام شده است که جبران خسارت بر عهده ندارد و در ایجاد ضمان نقش کمتری دارد. همچنین مسؤلیت دولت و شهرداری‌ها نسبت به کارکنان خود و بر عکس، مسؤلیت اشخاص در قبال اموال دولتی در صورت خسارت مسؤلیت دارد، اما در بعض موارد جبران خسارت برداشته می‌شود.

۴.۳. مسؤلیت ناشی از مالکیت یا حفاظت از اموال

در این نوع مسؤلیت گاهی شخصی مالک چیزی است و به دلیل مالک بودن مسؤل شناخته می‌شود، طوری که به شخص دیگری خسارت وارد می‌کند و مکلف است که جبران خسارت کند مانند نمونه‌های زیر:

طبق ماده ۳۳۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه، مسئول خسارتی است که از خراب‌شدن آن وارد می‌شود، مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک بر آن مطلع بوده و یا از عدم مواظبت او حاصل شده است. به خاطر اینکه زیان دیده بتواند از مالک خسارت بگیرد باید اثبات کند که خراب شدن بنا سبب ورود ضرر بوده و این خرابی ناشی از عیبی است که مالک مطلع آن بوده و یا از مواظبت نکردن آن حاصل شده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۵۳۲)

۵. اموال دولتی

۵.۱. مفهوم اموال دولتی

دولت مجموعه‌ای سازمان‌ها و نهادهای اعمال‌کننده و کارگزار قدرت سیاسی است. در حقوق عمومی که از قوای حاکم بر مملکت و تنظیم روابط آن‌ها با مردم بحث می‌کند، دولت مجموعه‌ای است که به اراده ملت زمام امور اساسی و حیاتی مملکت یا قوای عالی کشور را در دست دارد و حفظ تمامیت ارضی و امنیت داخلی و خارجی و تأمین عدالت فردی و اجتماعی و حقوق اساسی ملت از اهم وظایف آن است و در ممالک آزاد جهان که استقلال و تفکیک قوای حاکم به رسمیت شناخته شده است، شامل هر سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه می‌شود. سازمان دولتی عنوانی عام و کلی است که کلیه واحدهای دولتی و مؤسسات با هر اسم و عنوان و با هر نوع ماهیت حقوقی و اقسام گوناگون وظایف و مسئولیت‌های مربوط از مصادیق آن می‌باشد. (صدرالحفاظی: ۱۳۷۲: ۴۲۱-۱۲۳)

دکتر لنگرودی در تعریف اموال دولتی بیان می‌دارد:

اموالی که ملک اشخاص حقیقی یا حقوقی نباشد، مانند اراضی موات، میدان‌های عمومی و کتابخانه‌های عمومی. پاره‌ای از این اموال قابل تملک خصوصی است و پاره‌ای نه؛ مانند میدان. (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۴۳)

جعفری لنگرودی، همچنین در ترمینولوژی حقوق، اموال دولتی را این گونه تعریف کرده است: اموال دولتی عبارت است از هر نوع مال منقول و غیرمنقول که در تصرف مالکانه دولت باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۸۲)

دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی اموال دولتی را این گونه تعریف می‌کند: به آن دسته از اموالی که دولت یا یک نهاد عمومی بر آن حق مالکیتی همانند حق اشخاص بر اموال خود دارند اموال دولتی می‌گویند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۲: ۲۷۴)

۵. ۲. مبنای اموال دولتی

منظور از مبنای اموال دولتی علت اساسی این موضوع است، پس بر این اساس مورد بررسی قرار می‌گیرد و نقش دولت را در قسمت خدمت‌رسانی به مردم مشخص می‌کند، ولی مفهوم جدید که از دولت به دست آمده وظیفه دولت حفظ نظم و آسایش اجتماع می‌باشد، لذا دولت از یک قدرت بالاتر برخوردار بوده و اموال عمومی را در اختیار دارد که می‌توانیم بگوییم قدرت عمومی در یک تقسیم‌بندی اموال دولتی به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی اموال دولتی و دیگر اموال عمومی که دولت بر اموال عمومی نظارت و مدیریت دارد، اما نسبت به اموال اختصاصی خود حق هرگونه بهره برداری را دارد. برای جدا کردن اموال عمومی از اموال دولتی پنج معیار لازم است.

۵. ۳. ملاک تشخیص اموال دولتی از عمومی

۵. ۳. ۱. مال حقوقی به حقوق عمومی تعلق داشته باشد

در صورتی می‌توان اموال را عمومی محسوب کرد که آن اموال را نتوان به مالکیت خصوصی در آورد و ذاتاً قابلیت تملیک خصوصی بر آن‌ها صدق نمی‌کند. چنین اموالی را می‌توان اموال عمومی دانست. اموال مؤسسات و بنگاه‌هایی که از امتیاز فعالیت در بخش‌های عمومی استفاده می‌کنند، جزو اموال عمومی محسوب نمی‌شود.

۵. ۳. ۲. اختصاص مال برای استفاده عمومی

در این معیار شیء اختصاص به عموم دارد و منافع جمعی بر این ملاک حاکم است و مال در زمره اموالی قرار می‌گیرد که برای استفاده عموم باشد.

۵. ۳. ۳. خدمت عمومی

از قبیل خدماتی که به جهت تأمین و رفع نیازهای عموم صورت می‌گیرند، لذا باید اموال عمومی اموالی باشد که برای منفعت عموم استفاده شود.

۵. ۳. ۴. معیار قانونگذاری

برای تمایز اموال دولتی از اموال عمومی، ملاک عمل، قانونی است که از طرف قانونگذار مورد اجرا قرار می‌گیرد. لذا مجلس شورای اسلامی به عنوان رکنی که حق قانونگذاری دارد می‌تواند از طریق قانونگذاری، اموال عمومی را مورد شناسایی قرار دهد، مانند موزه‌ها و کتابخانه‌ها.

۵.۳.۵. رجوع به ذات و طبیعت مال

برخی از اموال به ذات خود از اموال عمومی محسوب می‌شوند. مانند دریاها، راه‌ها، کوه‌ها و... بنابراین اموالی که در اختیار دولت می‌باشد اگر از اموال عمومی نباشد، اموال دولتی می‌شود و دولت به عنوانی یک شخصیت حقوقی حق هرگونه استفاده و بهره‌برداری را دارد. (عباسی و معصومی، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۱)

۵.۲. اتلاف اموال دولتی

هر گاه افراد یا مأموران دولتی بدون مجوز قانونی ضرری به اموال دولتی وارد نمایند، باید جبران خسارت کنند. «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». و به صورت خاص می‌توان به ماده ۸۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مصلح اشاره نمود که مقرر داشته است:

هر نظامی که سایر وسائل و اموال و وجوه متعلق به دولت یا در اختیار دولت را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده، به مصرف غیر مجاز برساند یا مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد یا بدون اجازه و بر خلاف مقررات در اختیار دیگری بگذارد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون برای آن اعتباری منظور نشده است و یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

و در ماده بعدی این چنین آمده است:

هر نظامی که به علت اهمال یا تفریط موجب نقص یا تزیع اموال مذکور در ماده ۸۴ این قانون شود و خسارات وارده بیش از مبلغ ده میلیون ریال باشد به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود. در صورتی که خسارت وارده کمتر از این مبلغ باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده، با وی مطابق این نامه انضباطی رفتار می‌شود.

تنها اشکالی که بر این دو ماده وارد می‌گردد اینک به نحو مطلق از جبران خسارت نام برده است، بلکه بیشتر تکیه بر مجازات نظامی دارد. (نهاد و علی‌شاهی، ۱۳۹۷: ۱۱۷-

۵.۳. خسارت بر اموال دولتی

قانون مدنی در ماده ۲۶ تصریح نموده و می‌گوید:

اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفائن جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه سلطنتی و عماراتی دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آن‌ها و بالجمله آنچه که از اموال منقوله و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

و از این قبیل است خالص‌جات و املاکی که تحت اختیار وزارت دارایی می‌باشد و برای اجاره به افراد واگذار می‌شود. بعضی از اموال عمومی به جهتی از جهات که مصالح عمومی اقتضاء می‌نماید به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهر اختصاص داده شده است و برای آن که تصور نشود اختصاص یافتن آن‌ها به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهر آن‌ها را از مشترکات عمومی خارج می‌کند. در آخر ماده ۲۶ قانون مدنی تصریح شده که این‌گونه اموال نیز قابل تملک نیست.

در مواردی که مصالح عمومی اقتضا نماید بعضی از مشترکات عمومی را می‌توان انتقال داد. انتقال و تملک آن به وسیله افراد، تابع قوانین مخصوصی است که صراحتاً این حق را به دولت یا شهرداری بدهد، مانند قانون توسعه معابر (امامی، بی‌تا، ج: ۱، ۳۷)

نتیجه‌گیری

هر عقل سلیمی حکم می‌کند که همه افراد در قبال اعمالی که انجام می‌دهند مسئول هستند و چنانچه این عمل موجب ضرر به دیگری باشد باید درصد جبران آن برآید. طرف دیگر فرق نمی‌کند که شخصیت حقیقی داشته باشد و یا شخصیت حقوقی مانند نهاد دولتی. بنابراین چنانچه شخصی به اموال و دارایی‌های یک ارگان دولتی ضرری ایجاد نمود باید نسبت به جبران آن اقدام نماید و در صورت عدم اقدام قانون مؤظف است او را مورد پیگرد قانونی قرار دهد.

یکی از نکاتی که ممکن است اتفاق افتد بحث تخریب اموال دولتی است که قانون در این زمینه جرم‌انگاری کرده، ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی است که طبق این قانون هر نوع نهب، غارت، اتلاف اموال، اجناس و امتعه جرم است. علاوه بر این، قانون مجازات

قاچاق اسلحه، مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز(مصوب ۱۳۹۰) حمل، نگهداری، خرید و فروش، توزیع و ساخت و مونتاژ مواد محترقه را جرم محسوب کرده است.

بحث مسئولیت مدنی این است که شخص به غیر از مجازات مقرر در قوانین باید از عهده جبران خسارت نیز برآید، چون هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن است و باید مثل و قیمت آن را بدهد. لذا بحث مسئولیت مدنی اشخاص در قبال اموال دولتی مبنی بر این است که این مسئله مورد بررسی قرار بگیرد تا اینکه برای مردم ماهیت و ابعاد آن شناخته شود.

منابع و مأخذ:

- امامی سید حسن(بی تا)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- انصاری، شیخ مرتضی(۱۳۸۲)، مکاسب، قم: اسماعیلیان.
- بجنوردی، میرزا حسین(۱۳۷۱)، القواعد الفقهیه، قم: مؤسسه.
- بهرامی احمدی، حمید(۱۳۸۵)، جزوه درسی مسئولیت مدنی، تهران دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- بهرامی احمدی، حمید(۱۳۸۵)، سوء استفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی، تهران دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جبعی العاملی، علی بن احمد(شهید ثانی)(۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- ره پیک حسن(۱۳۹۵)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، ج ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- شکاری، روشنعلی(۱۳۸۵)، جزوه درسی قواعد فقه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- شیخ طوسی، محمد بن حسین(بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف: مطبعه النجف.

- صدر الحفاظی، سید نصرالله (۱۳۷۲)، نظارت قضایی بر اموال دولت، تهران: انتشارات شهریار
- صفایی سید حسن، و رحیمی حبیب الله (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، ج ۱۱، تهران.
- طباطبایی، مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۸)، حقوق اداری، تهران: گنج دانش.
- عباسی بیژن و معصومی مسعود (۱۳۹۵)، جایگاه اموال دولتی در نظام حقوق ایران، فصلنامه حقوق اداری، ش ۱۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۶)، اصول کافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات و فرهنگی.
- لنگرودی محمد جعفر (۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، ج ۱۶، تهران: انتشارات گنج دانش.
- مصطفوی سعادت، سید مصطفی و محمد جواد پایکاری (۱۳۹۶)، نگرش جدید به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه، آموزه‌های حقوقی، ش ۴.
- الموسوی الخمینی، روح الله (۱۳۸۷)، الرسائل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نوربخش، سید تقی (۱۳۹۶)، آشنایی با مسئولیت‌های قانونی مدیران و کارکنان سازمان تأمین اجتماعی مسئولیت، چاپ و نشر پاییز.
- نهاد، محمد دانش و ابوالفضل علیشاهی (۱۳۹۷)، درنگی در نقش قاعده اتلاف در مسئولیتی مدنی دولت، مطالعات فقهی و فلسفی، ش ۳۵.